

□ در واقع زادگاه صائب کجا بود، او در چه سالی متولد شده، چند سال عمر کرده و در چه سالی در اصفهان رخ در نقاب خاک کشیده است؟ این چهار سؤال تا این اواخر در پرده‌ی ابهام بوده است، نه تنها برای نگارنده‌ی این سطور، بلکه برای اغلب تذکره‌نویسان و اهل تحقیق و تتبع نیز روشن نبوده است، حتا خود بنده هم در تذکره‌الشعراى منظوم و منثور **دویست سخنور** که چاپ سوم آن در سال ۱۳۷۹ به‌وسیله‌ی انتشارات سروش در تهران منتشر شد، در مورد زادگاه و عمر صائب اظهارنظری نکرده‌ام؛ ولی تاریخ وفات او را به حساب جمل چنین گفته‌ام:

درین اندیشه بودم روزگاری
که صائب در حقیقت اصفهانیست؟
چو از تاریخ و شهرش خواستم گفت:
(صفاهان را بهل صائب جهان‌یست)

۱۸۰۷ ق

اگر نگارنده تا این تاریخ در مورد محل تولد صائب به قاطعیت اظهارنظر نکرده است، نباید به عجز و ناتوانی او حمل کرد، چرا که

مملکت تبریز را وجهه‌ی همت خود ساخته، امر کرده که هزار خانه مردم از بلده‌ی مذکور خارج گردیده و مأمور به دخول دارالسلطنه‌ی اصفهان شوند.

از دروازه‌ی دشت تا به دروازه‌ی چهارباغ مَقَر بود و مقام غنود خود را مقرر داشته و هر یک خانواری بنای رنگین و طرح دل‌نشین را رنگ ریزند و به ساختن عمارات خوب و باغات مرغوب متوجه شدند.

نظر به فرمان عالی شاه آن قوم در اندک زمانی آن سرزمین را رشک ارم و شبیه حرم کرده، مسکن و موطن خود کردند. رفیع‌ترین عمارات و وسیع‌ترین سراها دولت‌خانه‌ی میرزا صائب است... الحال کل آن مقام عالی اساس به عباس‌آباد مشهور است... و مشارالیه مدتی به لباس سیاحت، مساحت زمین را سیر کرده تا که بعد از سیر ماوراءالنهر از ام‌البلاد بلخ عبور به هندوستان کرده است و به مهربانی ظفرخان به خدمت شاه‌جهان رسیده و خطاب مستعدخانه‌ی یافته و از اراده‌ی مفکره‌ی خود دیوانی تمام در هندوستان مرتب کرده که مشهور است.



نظمی تبریزی

از زندگی

صائب تبریزی چه می دانیم؟

در عهد شاه‌عباس ثانی، حب وطن و دوستی مأمور او را به دارالسلطنه‌ی مذکور راهبر گردیده، از این سیر راجع ساخته است. شاه‌عباس... الطاف خاقانی... را شامل حال و ممد احوال مشارالیه دانسته... و از نزدیک خود دور نمی‌داشته... تا در آن وقت که به سیر استرآباد اردوی همایون... را معطوف داشته، مومی‌الیه را... به حصار اشرف برده است. میرزا صائب پس از آن اجازه‌ی رخصت به اصفهان خواسته و به مقتضای درخواست او حکم جهان‌مطاع چنان شد که به‌سوی وطن خود رود.

خیال زنده‌رود از سینه گرد غم برد صائب

چو غم زور آورد بر خاطرت یاد صفاهان کن»

۳- لطف‌علی بیگ آذر که تقریباً ۹۰ سال پس از صائب تذکره «آتشکده» را به سال ۱۱۹۵ تألیف کرده، صائب را چنین معرفی کرده است: «صائب اسمش میرزا محمدعلی، اجداد ایشان را شاه‌عباس از تبریز کوچانیده، در محله‌ی عباس‌آباد سکنی داده، غرض میرزا در

در کارهای تحقیقی، اظهارنظر بدون دلیل و سند قاطع و قانع‌کننده خطاست و قابل قبول اهل فضل و فرهنگ نیست.

اینک برای اثبات این مقوله، شرح حال صائب را در چند تذکره‌ی معتبر از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرانیم تا مشکل بودن کار تحقیقی کمی روشن شود:

۱- میرزا محمدطاهر نصرآبادی در تذکره‌الشعراى «نصرآبادی»، تألیف ۱۱۱۲ هـ. ق که با صائب هم‌زمان بوده، شرح حال صائب را این‌گونه می‌نویسد: «میرزا صایبا اسم شریف ایشان محمدعلی است و والدش از کدخدایان معتبر تجار تبارزه‌ی اصفهان است.» می‌بینیم که به زادگاه و عمر و سال وفات شاعر هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده است.

۲- ملیح‌ای سمرقندی در **مذکرالاصحاب** آورده است:

«... در تاریخی که شاه‌عباس کوس جهانگیری زده و لوای شهریارى افراخته و سکه‌ی فتح و پیروزی به‌نام خود خوانده، تسخیر

اصفهان متولد شده و معزز و محترم بوده و از شاه‌عباس ماضی و شاه‌سلیمان نوازشات دیده. «آذر بیگدلی که ۹۰ سال پس از صائب «آتشکده» را نوشته، به صراحت می‌گوید: «غرض میرزا در اصفهان متولد شده.»

۴- رضاقلی‌خان هدایت، در تذکره‌ی مجمع‌الفصحا، تألیف ۱۲۸۲ هـ. ق آورده است: «اسمش میرزا محمدعلی و اصلش از تبریز بوده، اجداد او به حکم شاه‌عباس ماضی از تبریز کوچیده به عباس‌آباد اصفهان ساکن شده‌اند.» بدیهی است که منظور مرحوم هدایت از جمله‌ی «اصلش از تبریز بوده» این است که: آبا و اجداد او تبریزی بوده‌اند، ولی به محل تولد صائب، هیچ‌گونه اشاره نمی‌کند.

۵- مرحوم محمدعلی مدرس تبریزی در کتاب **ریحانه‌الادب** که از تذکره‌های معتبر به‌شمار می‌رود، در شرح حال صائب چنین می‌گوید: «میرزا محمدعلی پسر میرزا عبدالرحیم تبریزی الاصل، اصفهانی المولد و المنشاء و المدفن از اکابر شعرای ایرانی است.» یعنی اجداد صائب تبریزی بوده‌اند، ولی خود صائب در اصفهان به دنیا

شاه‌عباس وقتی به سلطنت رسید و در قزوین تاج‌گذاری کرد که کشور ایران دست‌خوش هرج و مرج بود و هر حاکمی داعیه‌ی سلطنت در سر می‌پروراند، همه‌جای ایران معرض تاخت و تاز طوایف ازبک و سپاه عثمانی بود و ایران در آستانه‌ی سقوط قرار گرفته بود. شاه‌عباس برای این‌که اول سرکشان و متمردان داخلی را سرکوب کند و به داعیان سلطنت گوشمالی بدهد، صلاح را در آن دید که با دولت عثمانی که در آن زمان بر اثر داشتن اسلحه‌ی آتشین امپراتوری بزرگی بود، نه تنها ایران، بلکه دول اروپا نیز از او بیمناک بودند، از در صلح درآید و به‌موجب عهدنامه‌ای که با دولت عثمانی منعقد کرد گرجستان، ارمنستان، آذربایجان و قسمتی از مغرب ایران را موقتاً به آن دولت واگذار کرد، ولی همیشه در این فکر بود که در موقع مناسب، اراضی از دست‌رفته را از تصرف دولت عثمانی خارج کند. وی بعد از تقویت سپاهیان خود و مجهز کردن آن‌ها به اسلحه‌ی آتشین، با لشکری گران از اصفهان به تبریز حرکت کرد و در اواسط سال ۱۰۱۲ تبریز را که ۱۸ سال در اختیار قوای عثمانی بود، به تصرف خود درآورد، او پس از چند روز استراحت، اولین کاری که کرد، این بود که جمعی از تجار معتبر تبریز را که خانواده‌ی صائب نیز جزو آن‌ها بود، به اصفهان کوچانیده، به نام تبارزه در محله‌ی عباس‌آباد اصفهان به آن‌ها سکنی داد.

پس با در نظر گرفتن سال تولد صائب که بعضی از تذکره‌نویسان سال هزارم هـ. ق و برخی هزار و هفت ذکر کرده‌اند هنگام کوچ از تبریز (۱۰۱۲) دوازده سال داشته و اگر سال تولد او را هزار و هفت بدانیم زمان کوچ از تبریز پنج ساله بوده است.

تاریخ ولادت و عمر صائب

سال تولد صائب را چنان‌که ذکر کردیم، بعضی از اهل تحقیق و تذکره‌نویسان ۱۰۰۰ هجری قمری و برخی ۱۰۰۷ ثبت کرده‌اند، ولی کدام یک از این در تاریخ درست است؟ تشخیص آن بعید به‌نظر می‌آید. سن او را از ۶۵ تا ۷۱ سال نوشته‌اند، ولی به‌طوری که از این بیت او استنباط می‌شود، وی ۸۰ و بلکه بیش‌تر از ۸۰ عمر کرده است:

دو اربعین به سر آمد زندگانی من

هنوز در خم گردون شراب نیم رسم

تاریخ وفات صائب

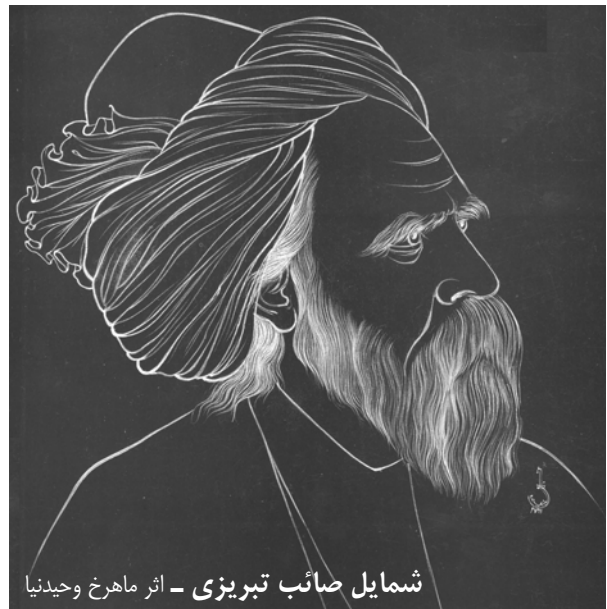
سال وفات صائب را نیز به اختلاف ذکر کرده‌اند، بعضی سال ۱۰۸۱ و برخی ۱۰۸۳ و عده‌ای هم سال ۱۰۸۷ دانسته‌اند که درست‌ترین تاریخ است. در این‌جا شایان ذکر است که: قبر صائب به‌مرور زمان زیر خاک مانده و گم شده بود، در سال ۱۳۴۰ شمسی به همت زنده‌یاد استاد جلال‌الدین همایی پیدا شد و تاریخی که آن زمان بر سنگ مزار صائب نقر شده ۱۰۸۷ می‌باشد، و سنگ مزبور هم‌اکنون بر روی قبر صائب موجود است و واعظ قزوینی که از شاعران بزرگ دوره‌ی صفویه است و با صائب معاصر و معاشر بوده و خود نیز دو سال بعد از صائب درگذشت، تاریخ وفات صائب را در یک رباعی چنین گفته است:

شد صائب از این جهان ویران صد حیف

زان درّ ثمین بحر عرفان صد حیف

گذشته به ناله بلبلان تاریخش:

(ای حیف از آن هزار دستان صد حیف) ■



آمد و در آن شهر نشو و نما یافت و در آن‌جا مدفون است. با وجود این همه آشفتگی‌ها که در تاریخ و تذکره‌ها مشهود است، تشخیص درست از نادرست کاری است بسیار مشکل و اگر به هم این لغزش‌ها، تعصب‌ها و اختلاف‌نظرها اشاره کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. نگارنده، بعد از توضیح مطالب لازم که از نظر شریف خوانندگان عزیز گذشت، اینک بر آن است که به چهار فقره سؤال که در عنوان این مقاله آمده زادگاه صائب کجا بود؟ او در چه سالی متولد شده؟ چند سال عمر کرده؟ و در چه سالی در اصفهان رخ در نقاب خاک کشیده؟ به ترتیب، نظر خود را ارائه دهد.

زادگاه صائب

بدون تردید زادگاه صائب تبریز بوده و دلیل این تأکید تاریخ است، اگر کسی شرح زندگانی، فتوحات و جنگ‌های شاه‌عباس اول ۱۰۳۸-۹۹۵ را به‌دقت مطالعه کند، نظر نگارنده را تأیید خواهد کرد.